

### تغییر روش: سرکوب‌های اخیر بهائیان ایران توسط حکومت ایران

بیانیه‌ای از جامعه جهانی بهائی

آذر ۱۴۰۲

جامعه جهانی بهائی عمیقاً از تغییر روش‌های حکومت ایران برای سرکوب جامعه بهائی - بزرگ‌ترین اقلیت غیرمسلمان این کشور - ابراز نگرانی می‌کند. بهائیان از زمان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ مورد سرکوب بوده‌اند، بیش از ۲۰۰ بهائی اعدام شده‌اند و امروز بهائیان در تمامی حوزه‌های زندگی مورد ستم قرار دارند. اما تغییر در نحوه رفتار حکومت ایران با بهائیان، نشانگر افزایش و تشدید سیاست سرکوب سیستماتیک علیه این جامعه است.

این بیانیه جزئیات روش‌های جدید و بسیار خشن‌تری را که مسئولان برای سرکوب بهائیان استفاده می‌کنند شرح می‌دهد. این روش‌ها شامل یورش به خانه‌ها و تفتیش آن‌ها، بازداشت، محاکمه، صدور حکم زندان، مصادره زمین و املاک، نفرت‌پراکنی، محرومیت از حق تحصیل، و سلب حق تدفین و نقض حقوق پایه‌ای شهروندی می‌شود.

جامعه جهانی بهائی معتقد است که هدف اصلی این روش‌های جدید، ایجاد هراس و سردرگمی، محروم کردن از هرگونه حقوق شهروندی و به فقر کشاندن بهائیان، تداوم سرکوب و آزار افراد و القای احساس عدم اطمینان و در نتیجه سلب آرامش و امنیت زندگی روزمره بهائیان است.

### یورش خشونت‌آمیز به خانه‌ها، تفتیش و بازداشت

طی چند ماه گذشته شاهد روند هر چه بیشتر نگران‌کننده‌ای در سرکوب بهائیان ایران بوده‌ایم. برنامه سیستماتیک برای یورش به خانه‌ها و دستگیری‌ها در شهرهای سراسر کشور در جریان بوده است که یکی پس از دیگری از شیراز شروع شده و سپس به نوبت در یزد، اصفهان، و اخیراً در همدان، کرج و شیروان تکرار شده است. از مهرماه، ۴۰ بهائی دستگیر شده‌اند و خانه‌های نزدیک به ۱۰۰ خانواده مورد حمله و تفتیش قرار گرفته است.

یکی از نگران‌کننده‌ترین روندها، رفتار خشن و توهین‌آمیز مأموران امنیتی با بهائیان در حین تفتیش و بازداشت بوده است. همچنین، افراد تحت بازجویی در بازداشتگاه‌ها متحمل بدرفتاری فیزیکی و کلامی شده‌اند.

برای مثال، در یکی از شهرها، وقتی مأموران به خانه یکی از خانواده‌ها یورش بردند، پسر جوان خانواده به رفتار خشن مأموران حین تفتیش اعتراض کرد، مأموران او را مقابل چشمان والدین و مادر بزرگش که کاری از دست‌شان بر نمی‌آمد به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند و دست‌های او را با طناب پلاستیکی بستند به نحوی که دچار درد و جراحت شدید شد. در موردی دیگر، مادر خانواده جوانی بعد از رساندن فرزندانش به مدرسه به خانه بازگشت و متوجه حضور ۴ مرد

شد که در کوچه منتظر او بودند. وقتی که او در را باز کرد تا وارد خانه شود توسط مردان به داخل هل داده شد. آن‌ها بدون نشان دادن حکم تفتیش خانه وارد شدند و بازرسی را آغاز کردند. در نمونه سوم، در حین یورش به خانه، با دستگیری و انتقال دختر خانواده به زندان، پدر خانواده دچار حمله قلبی شد.

و در یورش‌های اخیر به خانه‌های بهائیان در همدان، مأموران مسلح و نقاب‌دار به ۳۳ خانه که تعدادی از آنان خانه‌های زنان سالمند و بیمار، از جمله یک نفر مبتلا به آلزایمر و تحت مراقبت دائمی پرستار بود حمله کردند. وقتی در ابتدا این پرستاران از باز کردن در به روی مأموران امنیتی خودداری کردند، مأموران با شکستن در و پنجره وارد خانه شدند. مأموران این زنان سالمند و خانواده‌هایشان را مورد ارباب و اهانت قرار دادند، خانه‌هایشان را تفتیش و غارت کردند و حداقل در سه مورد، این نوع رفتار منجر به بستری شدن این سالمندان در بیمارستان به دلیل هراس و اضطراب شد. یکی از این زنان در حین تفتیش دچار سکته قلبی شد و نیاز به احیای قلبی پیدا کرد. مأموران مسلح همچنین با نشان گرفتن اسلحه به سمت صاحب‌خانه‌ها آن‌ها را مورد ارباب و تهدید قرار دادند.

این حملات به خانه‌ها و تفتیش‌ها با خرابکاری‌های شدید همراه بود و منجر به غارت کامل خانه‌ها شد. در برخی موارد مأموران کاشی‌های سرامیکی کف زمین را از جای خود درآوردند، مبلمان را پاره کردند و حتی سازهای موسیقی را شکستند. در موارد دیگر، رفت‌وآمدها و فعالیت‌های خانواده‌های بهائی از طریق نصب دوربین‌های مدار بسته به سوی درهای خانه‌ها کنترل شده است.

مسئولان پس از تفتیش بسیاری از خانه‌ها، خانواده‌ها را تحت فشار قرار داده و تهدید کردند که اگر جزئیات آنچه بر آن‌ها گذشته را برای دیگران تعریف کنند، با عواقب جدی بیشتری مواجه خواهند شد. مأموران همچنین فیلم‌های تلفن‌های همراه، دوربین‌های مدار بسته و سایر مدارک را پاک کرده‌اند تا تمامی شواهد مبنی بر اقدامات خود علیه جامعه بهائی را از بین ببرند.

در موج حملات اخیر علیه بهائیان، بیش از دو سوم از بازداشت‌شدگان، زنان بوده‌اند. بسیاری از آنها در دهه بیست یا سی عمر خود هستند و به اجبار از فرزندان خردسال خود جدا شده‌اند. بسیاری از یورش‌ها به خانه‌هایی که فرزندان خردسال داشتند، در حضور کودکان صورت گرفت و موجب ترس و وحشت بسیار زیادی در خانواده‌ها شد.

در یکی از موارد اخیر، زن جوانی تنها به دلیل پیگیری از مقامات دربارهٔ دفن مادر بزرگش، بازداشت و به پنج سال زندان محکوم شده است. او پنج سال آینده را باید دور از دختر پنج ساله‌اش بگذراند. زن دیگری که دو فرزند دارد، اخیراً پس از گذراندن یک سال در بازداشتگاه، به ۱۰ سال حبس محکوم شد.

بسیاری از افراد بازداشت‌شده، مدت‌های طولانی در زندان‌های محلی و برخی دیگر در بازداشتگاه‌های ویژه وزارت اطلاعات، بدون محاکمه در بازداشت به سر می‌برند. در چند مورد افراد ماه‌ها و در یک مورد بیش از ۲۴۷ روز، بدون محاکمه و بدون دسترسی به امکان آزادی به قید وثیقه، همچنان در بازداشت هستند. بازداشت‌شدگان در انتظار برگزاری دادگاه برای به اصطلاح «جرائمی» هستند که در سایر نقاط جهان ارائه خدمات اجتماعی در نظر گرفته و مورد تحسین واقع می‌شوند.

## اتهامات دروغین و حبس‌های شدید

دادگاه‌ها، حکم‌های حبس طولانی و ناعادلانه، به اتهامات واهی مانند «عضویت در فرقه ضالّه بهائیت» یا اتهام بی اساس «اقدام اجتماعی به قصد تبلیغ فرقه ضالّه بهائیت» برای افراد بهائی صادر می‌کنند. چندین بهائی به دلیل خدمات انسان‌دوستانه از قبیل آموزش به کودکان بی سرپناه و محروم ایرانی و یا افغان و امداد رسانی به زلزله‌زدگان، به زندان‌های طولانی مدت محکوم می‌شوند. مسئولان حکومتی، خدمات سخاوتمندانه و فداکارانه اعضای جامعه بهائی در حمایت از نیازمندان را جرم‌انگاری می‌کنند.

در حال حاضر حداقل ۷۰ بهائی در بازداشت یا در حال گذراندن حکم زندان خود هستند که بیشترین تعداد درشش سال گذشته است و نشان از افزایش میزان سرکوب جامعه بهائی در دوران اخیر دارد. حدود ۱۲۰۰ بهائی دیگر در ارتباط با موارد مختلف آزار و اذیت حکومتی، یا درگیر روند دادگاه هستند و یا حکم آن‌ها صادر شده و در انتظار اجرای حکم و احضار به زندان به سر می‌برند. احکام صادره در دادگاه‌ها نیز به طور فزاینده‌ای سخت‌گیرانه‌تر شده است و در هفته‌های اخیر ده‌ها بهائی مجموعاً به صدها سال زندان محکوم شده‌اند.

بهائیان بازداشت‌شده مرتباً بازجویی می‌شوند و در آغاز بازجویی‌های اخیر، چندین زندانی با تهدید، فشار و آزار و اذیت روانی مواجه شده‌اند. در برخی موارد این تهدیدها منجر به صدمات جسمی برخی از زندانیان از جمله زنان شده است. اخیراً، رفتار ناعادلانه با بازداشت‌شدگان، به ممانعت از مرخصی زندانیان برای ملاقات با عزیزان‌شان که در بستر مرگ هستند بسط پیدا کرده است.

بهائینی که به قید وثیقه آزاد شده‌اند، مجبور به تحمل وثیقه‌های بسیار سنگین به صورت نقدی یا تحویل سند املاک خود به عنوان ضمانت هستند. وثیقه بهائیان در حال حاضر به طور معمول بین ۲۰ تا ۸۰ برابر حقوق سالانه یک فرد با شغل دولتی در ایران است که بار مالی بسیار سنگینی را بردوش این بهائیان و خانواده‌های آنها وارد می‌کند. در یک نمونه اخیر، دختر جوانی در شیراز که در اوایل بیست سالگی است، مجبور به سپردن وثیقه ۸ میلیارد تومانی شد که مبلغ هنگفتی برای هر ایرانی عادی است.

## سرقت حکومتی، محرومیت از تحصیل، و نفرت‌پرانی

روند نگران‌کننده دیگر، نوع اشیایی است که از خانه‌های بهائیان مصادره می‌شود. در حالی که در تفتیش‌های قبلی معمولاً کتاب‌های مقدس بهائیان، عکس‌ها و دستگاه‌های تلفن همراه و رایانه‌ها ضبط می‌شدند، در تفتیش‌های اخیر هرگونه وجه نقد موجود و کارت‌های بانکی، جواهرات شخصی و اقلام با ارزش دیگر، اسناد املاک، اسناد خودرو، اسناد هویتی و گذرنامه‌ها و همچنین ابزارآلات تأمین معیشت بهائینی که قبلاً با تعطیلی اجباری مشاغل و مغازه‌هایشان مواجه بوده‌اند، مصادره شده است.

اقلام با ارزش مصادره شده غالباً معادل ده‌ها یا صدها میلیون تومان بوده که اغلب تمام پس‌انداز زندگی آن‌ها را شامل می‌شود. این دارایی‌ها به ندرت به افراد بازگردانده می‌شوند. این اقدام به منزله سرقت حکومتی است. مصادره

ابزارآلات شغلی و اسناد ملکی به وضوح با هدف فقیر کردن و تضعیف بیشتر جامعه بهائی در شرایطی دنبال می‌گردد که اکثر شهروندان در سراسر کشور در وضعیت وخیم اقتصادی هستند.

در ۱۸ ماه گذشته شاهد تکرار مصادره زمین‌های روستایی و تخریب اموال بهائیان توسط حکومت ایران بوده‌ایم، از جمله مصادره زمین‌های کشاورزی حاصل خیز و ارزشمند، تخریب خانه‌ها و آواره شدن خانواده‌ها.

جوانان بهائی مدت‌ها است از ورود به دانشگاه‌ها یا مؤسسات آموزش عالی محروم بوده‌اند. اما یک ویژگی نگران‌کننده جدید که در سال تحصیلی جاری مشاهده شده این است که از دانش‌آموزان خواسته شده تا تعهدنامه‌ای مبنی بر انکار مرجعیت مؤسسات دینی خود امضا کنند تا به آنها اجازه ورود به دانشگاه داده شود. این تعهدنامه حکومتی به‌گونه‌ای تنظیم شده که فرد در آن با انکار یکی از اصول اساسی اعتقاد بهائی، ایمان خود را انکار کند.

اخیراً شاهد افزایش آشکار نفرت پراکنی علیه بهائیان در ایران بوده‌ایم. از جمله عاملان اصلی این جوسازی و تبلیغات منفی، خبرگزاری‌های دولتی، به ویژه آن‌هایی که مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رهبر کشور هستند و مروجان آنها در شبکه‌های اجتماعی مانند ایکس و تلگرام، ائمه جمعه، گروهی از حامیان تئوری‌های توطئه و بعضی افرادی که تحت حمایت سازمان‌های حکومتی قرار دارند. مطالب نفرت‌انگیز علیه بهائیان، آنها را متهم به سازمان‌دهی اعتراضات اخیر، ترویج بی‌بندوباری، مخالفت با اسلام و تشیع، جاسوسی برای اسرائیل و غرب و عضویت در جنبشی سیاسی برای ضربه زدن به حکومت می‌کند.

### محرومیت از حق دفن و حقوق شهروندی

روند دیگر، پایمالی تدریجی حقوق بهائیان برای تدفین درگذشتگان خود و اقدامات دولت برای به دست گرفتن کنترل آرامستان‌های بهائیان در نقاط مختلف در سراسر کشور است. آرامستان بهائیان اراک که ۱۲۰ سال است از آن استفاده می‌شود، اخیراً بدون اجازه بهائیان به مزایده گذاشته شد و بهائیان حتی از بازخرید آن از مقاماتی که آن را مصادره کرده‌اند منع شدند. مسئولان حکومتی، آرامستان بهائیان کرج را حصارکشی کرده‌اند و در پی به دست گرفتن مدیریت آن هستند. مأموران وزارت اطلاعات با هماهنگی «بهشت زهرا» و با اعمال زور، مدیریت [آرامستان بهائیان تهران](#) را در دست گرفته‌اند. بهائینی که پیش از این نظارت بر این آرامستان را بر عهده داشتند، بی‌رحمانه بازداشت و زندانی شده‌اند. مدیریت جدید متعاقباً چندین بار متوفیان بهائی را در غیاب خانواده‌هایشان و بدون رعایت آداب خاک‌سپاری بهائی دفن کرده و مکرراً از ورود بهائیان به آرامستان برای دیدار از قبور عزیزانشان جلوگیری می‌کند. در همین حال مأموران، متوفیان بهائی را در منطقه‌ای که به عنوان گور دسته‌جمعی خاوران شناخته می‌شود دفن کرده‌اند، محلی که مکان دفن حدود ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ زندانی سیاسی و عقیدتی است که توسط جمهوری اسلامی در دهه ۱۳۶۰ اعدام شدند. به نظر می‌رسد دفن بهائیان در این مکان تلاش حکومت برای حذف تدریجی یاد و خاطره این گور دسته‌جمعی و جایگزینی آن با آرامستان بهائیان باشد. این اقدام برخلاف تمایل جامعه بهائی صورت می‌پذیرد که بارها ابراز کرده است برای خانواده‌هایی که عزیزانشان در این محل دفن شده‌اند احترام قائل است.

آخرین روندی که جامعه جهانی بهائی شاهد آن بوده است از بین رفتن تدریجی حقوق مدنی بهائیان به ویژه در رابطه با ثبت و به رسمیت شناختن ازدواج بهائیان است. پیش از این ازدواج بهائیان توسط دفاتر اسناد رسمی در دفترخانه ثبت و سپس سند ازدواج صادر می شد. اما اخیراً حکومت ایران سیستم ثبت دیجیتال آنلاینی را معرفی کرده که فاقد گزینه «بهائی» یا «سایر» در قسمت مذهب است. هر تقاضانامه ای که این قسمت در آن پر نشده باشد معتبر نیست. این امر پیامدهای جدی برای ثبت ازدواج بهائیان داشته و آن را غیرممکن می کند. در واقع رابطه زوج از نظر قانونی به رسمیت شناخته نمی شود. همچنین این امر به نوبه خود پیامدهایی برای ثبت تولد فرزندان و سایر حقوق اجتماعی شان به دنبال دارد.

## داستان ما یکست

اما روایت بهائی ستیز حکومت ایران کمتر و کمتر مورد پذیرش جامعه ایران قرار می گیرد. جامعه جهانی بهائی از دیدن تغییر افکار عمومی در چند سال گذشته در ایران بسیار خشنود است. امروزه بسیاری از هم وطنان، بهائیان ایران را بخش جدایی ناپذیر و سازنده ای از خانواده متنوع ایران می دانند. در عین حال آزار و سرکوبی که بهائیان طی ۴۴ سال گذشته متحمل شده اند، در حال گسترش به ظلم و سرکوبی است که اکنون بر ایرانیان با هر پیشینه ای وارد می شود. حکومت ایران در تلاش های خود برای ایجاد شکاف بین بهائیان و هموطنان شان شکست می خورد و این شکست، حکومت را در تلاش خود برای بدنام کردن و سرکوب جامعه بهائی بیش از پیش مستأصل و بی رحم تر می سازد.

در یک مورد اخیر در اصفهان به دنبال دستگیری ۱۰ زن بی گناه بهائی مشاهده شد که مأموران امنیتی خانه به خانه رفتند تا همکاران، همسایگان و اطرافیان این بهائیان را برای شکایت رسمی علیه آنها مورد آزار و اذیت و تحت فشار قرار دهند. چند نفر با آکراه زیاد این کار را تحت فشار انجام دادند، اما بعداً برخی از آنان از بهائیان به دلیل اقداماتی که توسط سرویس های امنیتی مجبور به انجام آن شده بودند عذرخواهی کردند. این چنین شکایات جعلی که مضحکانه بعد از دستگیری به اصطلاح «مجرمین» جمع آوری گشته فقط برای منحرف کردن افکار عمومی است چرا که برای محکوم نمودن بهائیان، نظام حقوقی هیچ گونه نیازی به حتی مدارک جعلی نیز نشان نداده است.

موج بزرگ حمایت از جامعه بهائی ایران - از ایرانیان با هر پیشینه ای در داخل و خارج از کشور - در مشارکت هزاران نفر در کمپین جاری [#داستان ما یکست](#) بازتاب پیدا کرده است. جامعه جهانی بهائی این کمپین را در خردادماه ۱۴۰۲ به منظور گرامی داشت ۱۰ زن بهائی که در شیراز به دار آویخته شدند و برای نشان دادن حمایت خود از برابری و عدالت برای همگان آغاز کرد. تعداد بی شماری از ایرانیان و دیگران از این کمپین استقبال نموده اند. داستان ما داستان آنهاست: داستان آنها داستان ماست.